

## برگزیده‌های

# پژوهشکده فقه و حقوق

## در ششمین مراسم تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین

مراسم تجلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین، ۲۶ آذر در اصفهان برگزار شد. چند سالی است که به همت دبیرخانه دین پژوهان کشور پس از فراخوان، از میان انبوه پژوهشهای ارسالی در حوزه دین آثاری را که برخوردار از:

۱. خلاقیت و نوآوری ۲. بهره‌گیری از منابع معتبر و اصلی، ۳. داشتن اعتبار علمی به لحاظ استدلال و تحلیل و استنتاج ۴. روزآمدی و پاسخ‌گویی به نیازهای روز می‌باشند گزینش نموده و از صاحبان آثار تجلیل می‌نماید.

جای بسی مسرت و خوشحالی است که اکثر آثار برگزیده در حوزه فقه و حقوق به پژوهشگران پژوهشکده فقه و حقوق مؤسسه علوم و معارف اسلامی اختصاص دارد که ضمن تبریک این موفقیت به تک‌تک محققان فرهیخته این آثار و آرزوی توفیق هرچه بیشتر آنان، و تبریک و تهنیت مضاعف به مدیر محترم پژوهشکده جناب حجة الاسلام والمسلمین مبلغی و همکاران ارجمندشان توجه خوانندگان را به معرفی اجمالی این آثار جلب می‌نمایم.

(۱)

«اوفوا بالعهد إنَّ العهْدَ كانَ مسئولاً.»

(اسراء، آیه ۳۴)

بشر از دیرباز شیوه‌های گوناگونی را برای ملزم کردن شخص متعهد آزموده تا حتی فکر نقض تعهد نیز به تصور متعهد نگنجد. برای این منظور، قانون‌گذاران راه‌های گوناگون، مانند: اخذ وثیقه و رهن، وجه التزام، حق فسخ، حق حبس

**مبانی  
مسئولیت حقوقی  
ناشی از تخلف  
از اجرای تعهد**

سیدحسن وحدتی شبیری

و ... در نظر گرفته‌اند، اما هر یک از آنها ماهیت و کارکردی ویژه دارد و دیدگاه نظام‌های حقوقی نسبت به چگونگی و شرایط به کار بستن آنها تفاوت می‌کند. امروزه «جبران واقعی و عادلانه خسارت ناشی از تخلف از اجرای تعهد» بیشتر اهمیت دارد تا اجرای تعهد، ضمانت حقیقی بیابد.

گسترش دامنه مسئولیت، متعهد قراردادی را پای بند به تعهد خویش بیشتر می‌سازد و تأثیر مستقیم در کاهش منازعات و اختلافات بین اشخاص در روابط مالی و بازرگانی می‌گذارد. این گسترش مسئولیت، امروزه در عرف بازرگانی صورت پذیرفته، ولی باید که هرچه بیشتر بر اصول حقوقی مورد پذیرش جامعه استوار شود تا بتواند به میزان فراوانی نیازها و اهداف پیش‌گفته را برآورده سازد.

این پژوهش، در این باره می‌کوشد، و لذا نخست: به مفهوم و انواع تعهدات و چگونگی تخلف از آنها نگاهی می‌کند تا زمینه‌ای برای مطالعات آینده فراهم سازد و جایگاه اصلی موضوع بحث را آشکارتر نماید؛

دوم: نظریات حقوقی مطرح شده از سوی حقوق دانان کلاسیک و دانشمندان متأخر را در زمینه مبنای مسئولیت حقوقی ناشی از تخلف از اجرای تعهد را مورد مطالعه قرار می دهد و موضع گیری نظام های حقوقی را بررسی می کند.

سوم: با مطالعه نظریات فقیهان اسلامی، به ویژه فقیهان امامیه، تحولات حقوقی در کشور، به ویژه پس از انقلاب اسلامی را ارزیابی می کند و مبنایی را برمیگزیند که با اصول و مبانی فقه اسلامی تنافی ندارد و نیازهای بازرگانی امروز را تأمین می کند.

چهارم: از آن جا که بر گرفتن مبنی در باب مسئولیت قراردادی، تأثیری شگرف در قلمرو مسئولیت می گذارد، تلاش شده تا آثار هر یک از نظریات در نظام حاکم بر مسئولیت و قلمرو آن مورد کنکاش قرار گیرد.

(۲)

## سیاست جنایی

جلال الدین قیاسی

سیاست جنایی بر حسب منابعی که سیاست گذاری ها بر اساس آن صورت می گیرد، به علمی و ایدئولوژیک یا ارزشی، تقسیم می شود. ارزیابی یکی از ارکان سیاست گذاری هاست. ارزیابی سیاست جنایی ایدئولوژیک، یا باید بر اساس مبنای آن ایدئولوژیک، یا بر اساس

نتایج آن سیاست گذاری؛ یعنی دستیابی به اهداف سیاست، صورت بگیرد.

ارزیابی سیاست جنایی حکومت اسلامی، در شاخه ارزشی یا ایدئولوژیک آن با مواعنی روبه روست؛ مانند: مبهم بودن اهداف در احکام شرعی (پیش فرض بهترین گزینه در احکام شرعی) و اجرا نداشتن بودن نتایج ارزیابی (پیش فرضی که تنها در مورد احکام واقعی صادق است نه احکام ظاهری). در سیستم کیفری اسلامی، مشکل مبهم بودن مقاصد احکام را می‌توان با تقسیم اهداف جرم‌انگاری به هدف قریب و بعید، در ناحیه جرم‌انگاری برطرف کرد، اما ابهام موجود در حکمت مجازات احکام، مانع از ترتیب اثر بدین ارزیابی می‌شود و نهایتاً باید از احکام حکومتی یا ثانوی برای تصحیح پیامدهای ناخواسته سیاست جنایی اسلامی سود جست. شاید در حکومت اسلامی، سیاست جنایی ارزشی متکی بر احکام و ارزش‌های دینی، در تعارض با یافته‌های علمی قرار گیرد. مناسب‌ترین راه حل‌های ارائه شده برای حل این تعارض، تقدیم هر حکم علمی یا شرعی بر اساس میزان دلالت آن یعنی قطعی یا ظنی بودن است. احکام قطعی، خواه علمی یا شرعی، بر احکام ظنی مقدم هستند، اما اغلب احکام فقهی و جرم‌شناختی احکامی ظنی به شمار می‌روند و در حالت تعارض این ظنون، ظن شرعی به دلیل حجیت یا اعتبار مقدم خواهد بود، لیکن موافقت با یافته‌های علمی می‌تواند یکی از مرجحات‌گزینش یک فتوی برای قانون‌گذاری و اجرا باشد. حکومت اسلامی گستره خصوصی یا حق خلوت به معنای موسع آن در ادبیات حقوقی غرب را نمی‌پذیرد، اما به رغم قلمرو وسیع تشریع اسلامی، عملاً و در مقام اجرای دخالت حکومت اسلامی در حیطه خصوصی، با عوامل مختلفی محدود می‌شود، بررسی احکامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، جهاد ابتدایی و ارتداد،

پدرسالارانه بودن آنها را ثابت نمی‌کند. پدرسالاری در حکومت اسلامی از ناحیه تمامیت خواهی آن نیز ردپذیر است. اصولی مانند اصل سهولت دین یا اصل تساهل و تسامح در اسلام وجود دارد که تا اندازه‌ای مخالف پدرسالاری در حکومت اسلامی است.

### (۳)

## شوری در فتوی

حمید شهریاری

مسئله‌ای که در کتاب به شیوه طرح و تنظیم و تحقیق در آمده، بررسی این امر است که آیا می‌توان هیئت اجتماعی فتوی و استفتا را به نحوی پایه‌ریزی کرد که با کمک عنصر شوری و مشورت، دارای شکل و محتوایی واحد یا دست‌کم قریب به هم گردد و از ابراز نظرهای مخالف یا متعارض در زمینه‌های مورد ابتلای مردم

جلوگیری کرد و اساساً آیا این امر از دیدگاه فقه شیعی مقبول است یا نه؟ کتاب حاضر برای بررسی این امر ابتدا نگاهی مستقل به عنصر شوری و مفهوم آن از دیدگاه فقهی دارد و نحوه تحقق شوری در امور مختلف و نیز موارد آن را در آیات و روایات بررسی می‌کند و سپس به ادله باب اجتهاد و تقلید می‌پردازد و ضمن اشاره‌ای اجمالی به تاریخچه مسائل به سعه و ضیق آن ادله، نسبت به مورد بحث یعنی شوری در فتوی می‌پردازد. در ضمن، صور مختلف این شوری نیز مشخص می‌شود و مقبولیت فقهی هر یک را می‌سنجد، در این بین، اشکالاتی که به این نظریه شده، مورد کنکاش قرار می‌گیرد و ادله‌ای که دلالت بر نوعی الزام نسبت به تشکیل شوری فقهی دارد، بررسی می‌گردد.

خاستگاه مهم این اشکالات، نظریه تقلید اعلم است. بحثی شایسته در این زمینه ارائه می‌شود، ولی نمی‌تواند با توجه به تبعات زمان گذشته و حال، معیار بدون نقصی برای عمل عامه باشد. از مباحثی که در این رساله به اختصار بحث می‌شود، نحوه اداره آن شوری است که در آن چگونگی تشکیل شوری و اداره و ادامه کار آن بررسی می‌شود. از آن جا که این امر مربوط به مسائل نسبتاً اجرایی طرح مزبور است و به نظام‌بندی عملی حوزه‌های علمیه برمی‌گردد. تنها به بحثی اجمالی و راه‌گشا در خاتمه این رساله بسنده شده است. عناوین مباحثی که در این کتاب مطرح می‌گردد، به شرح ذیل است: در مقدمه کتاب ضمن تفسیر واژگان کاربردی و طرح موضوع و سؤالات اساسی، ضرورت پرداخت به این بحث بیان می‌شود. فصل اول رساله با عنوان شوری و مشورت، معنای لغوی این دو واژه و نسبت آنها را با هم از روی منابع لغوی اصیل بررسی می‌کند. در نتیجه‌گیری بحث، عنوان می‌شود که لفظ «مشوره» و «مشاوره» را در کلام عرب نظرخواهی از فرد با بصیرت گویند و لفظ شوری هم به این معنی و هم به معنای با مشورت یکدیگر در مورد امری تصمیم گرفتن است. بیشتر اهل لغت با ذکر مثال‌هایی یا از طریق تفسیر «الشوری» به کلمه «التشاور» به این معنای اخیر اشاره و یا تصریح کرده‌اند. سپس به بحث از این دو عنوان، در قرآن، روایات و بنای عقلا می‌پردازد. بحث از آیات به این نتیجه می‌انجامد که جز آیه ۳۸ سوره شوری، سه آیه دیگر تنها بر حسن مشورت و نظرخواهی از دیگران دلالت دارد. روایات در این بحث به چهار قسم دسته‌بندی شده‌اند: دسته اول روایاتی هستند که امر به مشورت در امور می‌کند؛ دسته دوم روایاتی هستند که در ضمن آنها فایده مشورت کردن بیان شده است؛ دسته سوم از روایات اشاره به مشورت‌های رسول خدا در امور جاری مسلمان‌ها دارد؛ و آخرین دسته، روایات درباره شوری و ترجیح به اکثریت است. در پایان، به این نتیجه می‌رسد که: ادعای استفاده شورای فتوی

از روایات مذکور مشکل بوده و یقینی نیست، هر چند در صورت اقامه دلیلی چون بنای عقلا، می توان این ادله را تأییدی بر ترجیح به اکثریت در طرق متعارض دانست. بحث از بنای عقلا در مورد مشورت و در مورد شوری، با توجه به معنای اختصاصی هر یک از این دو واژه، از هم تفکیک شده است. این بحث، از مهم ترین بخش های نظریه پردازی در این کتاب می نماید و استدلال های اصلی شوری در فتوی و نیز نقد روش های جاری سنتی در این جا بیان می شود. در یکی از بحث های این قسمت، مطرح شده است که جواب در علوم دیگر طبق بنای عقلا روشن می نماید؛ در علوم مختلف در صورتی یک مسئله وارد آن علم می شود که ادله اقامه شده مورد اعتنای عالمان دیگر واقع شود، در صورتی عامه مردم بر طبق آن عمل می کنند که اکثر اهل آن علم آن نظریه را پذیرفته باشند. به طور کلی در شرایط کنونی، مردم هیچ گاه در تمامی مسائل یک علم، عالم واحدی را ملاک و معیار قرار نمی دهند بلکه به جامعه علمی آن علم مراجعه می کنند تا قول اکثر عالمان درجه اول را برای آنان تبیین نمایند؛ به ویژه در مواردی که اختلاف انظار عالمان بر عرف روشن باشد، و به نظر می رسد که: نباید علم فقه را از این قاعده مستثنی دانست. در ادامه این شیوه در علم فقه مورد نقد و بررسی قرار می گیرد. و تفاوت های فقه با علوم دیگر یادآوری و به آنها پاسخ داده می شود.

فصل دوم رساله به بررسی ادله اجتهاد و تقلید و نسبت آن با شوری یا مشورت در فتوی می پردازد. آیه سؤال (سوره انبیاء، آیه ۷) و آیه نفر (سوره توبه، آیه ۱۲۲) از آیاتی هستند که ضمن دلالت بر بحث اجتهاد و تقلید و سعه و ضیق، بر شوری در فتوی نیز دلالت می نمایند که در آن باره بحث می شود. همین شیوه، در بحث از روایات نیز دنبال شده است: در حالی که روایات به سه دسته تقسیم شده اند، دسته اول روایاتی هستند که به عنوانی عام ارجاع دارند؛ «راویان حدیث ما» و «پیر در حب ما» دو عنوان عامی هستند که بر بحث تطبیق می شوند؛ دسته دوم،

روایاتی هستند که مردم را به افراد خاص ارجاع داده‌اند و این موارد عبارت‌اند از عثمان بن سعید و پسرش، تأیید افتای معاذبن مسلم نحوی، امر به قثم بن عباس، ارجاع به محمدبن مسلم ثقفی، ارجاع به حارث بن مغیره، و در نهایت زکریابن آدم و یونس بن عبدالرحمن؛ دسته سوم نیز روایاتی هستند که دلالتی التزامی بر بحث ما دارند. در بحث از آیات و روایات بیان شده که آیا این ادله تا چه حد بر حجیت قول فقیه برای عامی دلالت دارد، و اگر دلالت می‌کند، نحوه شمول آن به مورد بحث ما چگونه است؟ پس از نقد و بررسی دلیل عقلی در مورد حجیت قول فقیه، آن گاه سعه و ضیق آن نسبت به بحث از شوری در فتوی بیان می‌شود. دلیل عامی بر تقلید مجتهد به طور جدا در بحث از بنای عقلا، یکی از بحث‌های جدی در این رساله است، اگر عامی، به دلیل اختلاف نظر صاحبان فتوی، در قول مجموعه ایشان تردید کند، به هیچ دلیل دیگری نمی‌توان او را به تقلید واداشت. این یکی از کلیدهای دلیل الزام رجوع به قول اکثر فقهاست. بحث از امضای سیره عقلا نیز در این کتاب با تفصیل بیان می‌شود و چهار جواب مختلف با مقدمات استدلالی متفاوت شاکله آن را تشکیل می‌دهد. در نهایت، به این جمع بندی می‌رسد که بنای عقلا در مسائل علوم در زمان حاضر بر کار جمعی و استفاده از آرا و انظار دیگران و کارهای گروهی و افزایش ادله حاصل از تقسیم کار و فحص و بررسی عمیق در مسائل جزئی است که تنها با صرف وقت بسیار حاصل می‌آید، شرع اسلام کلی این سیره را نیز تأیید کرده و مصادیق آن به مناسبت زمان تغییر و پیشرفت می‌پذیرد. در پایان، باید به این مسئله توجه کنیم که: آنچه امروز در حوزه‌های علمیه به صورت بغرنج تعیین فردی خاص مطرح است، هرگز در علوم دیگر به این صورت مطرح نیست. فصل سوم رساله درباره اختلاف فتاوی است؛ از آن جهت که در این حالت، رجوع به شوری در فتوی روشن تر می‌گردد، ابتدا ادله تخییر در مسئله اختلاف فتاوی بررسی می‌شود و سپس به فرض تساقط فتاوی در حالت اختلاف پرداخته شده است. دلیل عقلا در حالت اختلاف نظر نیز از



بحث‌های مهم و محوری این رساله به شمار می‌رود و ما را به دلیل اصلی لزوم تبعیت از فتوای شورایی یا مشاوره‌ای نزدیک می‌کند. مهم‌ترین چالش نظریه شوری در فتوی، نظریه تقلید از اعلم است. به همین دلیل، در بخشی عمده از این کتاب، به ردّ این نظریه در زمان حاضر پرداخته می‌شود و در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که: غالب ادله شرط اعلمیت غیر از این که به خودی خود مخدوش است (به ویژه در شرایط جاری)، تمامی آنها در صورت صحت به طریق اولی دلالت بر نظریه شوری در فتوی دارد. بنابراین، شرط اعلمیت نمی‌تواند مانعی برای نظریه شوری در فتوی باشد. از آن جا که گاهی اختلاف نظر امری نیکو و مستحسن به شمار می‌رود، در نهایت این فصل بحثی اجمالی در مذمت اختلاف نظر آورده می‌شود. اختلاف در اصول و فروع دین مذموم بوده و مسلمانان موظف اند که در حدّ میسور و به روش‌های عقلایی یا راه‌های مذکور در متن دین، از آن دوری کنند. البته روشن است که این مذمت آن‌گاه خواهد بود که اختلافات نظری در عرصه عمل اجتماعی راه یابد. در این حال، بیشتر اختلاف نظرها باعث تردید و دودلی افراد جامعه می‌گردد. اما اگر اختلاف در افق نظر باقی بماند و معیاری صحیح برای گزینش اقوال مختلف در عرصه عمل وجود داشته باشد، چنین اختلافی نه تنها باعث ایجاد تردید و القای شک نمی‌شود بلکه به ترقی و تعالی علوم می‌انجامد. در خاتمه کتاب سعی شده است که پیشنهادی عملی برای نحوه تشکیل این شوری مطرح گردد. این پیشنهاد بدیل‌پذیر است و می‌توان طرق دیگری نیز پیش نهاد داد. بنابراین، نباید ردّ این پیشنهاد را مساوی با ردّ اصل نظریه شوری در فتوی انگاشت. فرض از تألیف کتاب حاضر طرح مسئله شوری و مشورت در فتوی به نحوی منسجم و بررسی مشکلات، انتقادات و پاسخ‌های آن است و این کار از دو جهت، دست کم در ابتدای راه، تکلیفی سخت و دشوار می‌نماید: اول این که منابع و مطالبی که در این باره در کتب فقهی ما وجود دارد، نوعاً مباحثی پراکنده و بسیط است و جمع‌آوری این مطالب و تدوین آنها خود،

کاری مستقل را می‌طلبند و چه بسا تکاپوی دست‌یابی به آن مطالب‌پراکنده در پرداختی منقح به موضوع و تدبر و تأمل حول و حوش مسائل مطرح شده، تأثیری ناشایست بگذارد. از طرف دیگر، نگارش در خصوص این موضوع، قلمی توانا و نافرسا می‌طلبند و این جز از صاحبان آن منصب منیع یعنی مراجع و صاحبان فتوی، نوعی بزرگ‌گویی تلقی می‌شود. ولی از آن‌جا که طریقت علم و دانش و بحث و نظر، همواره بر روی صاحبان آن و جویندگانش گشاده است و علما و مراجع خود پرورش دهندگان این قلم‌ها به شمار می‌روند و همواره خود بر مذاکرات علمی و ترویج و نشر علوم حوزوی اصرار و الحاح داشته‌اند، انجام این امور نیز به همت، آسان می‌شود.

(۴)

## تعزیرات

محمد جواد انصاری،

ابراهیم بهشتی

و سید علی اکبر طباطبایی

بی‌شک، مهم‌ترین بخش از احکام کیفری اسلام و مجازات‌های آن که اکثر جرایم را دربرمی‌گیرد، مربوط به تعزیرات است، چرا که جرایم دارای حد، از شمار انگشتان تجاوز نمی‌کند، و جنایات بر نفس و اعضا که مشمول مجازات قصاص است، محدود و نسبتاً اندک می‌نماید. انبوه جرایم دیگر، همه مشمول نظام

تعزیرات است. هم‌چنین درباره تعزیرات و جرایم نوظهور که در گذشته سابقه نداشته - و با این‌که فقهای شیعه و سنی از دیر زمان تا به امروز، مباحث مختلف فقهی را به نحو گسترده و عمیق مورد ارزیابی و تحقیق قرار داده‌اند - به دلایل مختلف، با همه اهمیتش کمتر تحقیق شده، و با نگرش به این‌که فقه شیعه در تمام زمینه‌ها جامع، کامل و پویاست و انقلاب اسلامی زمینه را برای اجرای

احکام الهی از جمله تعزیرات فراهم ساخته، نیاز به تحقیق در آن باره بیشتر احساس می‌شود. کتاب تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا، در دوازده فصل گردآمده است. اکنون با بیان اجمالی مباحث مطرح شده، به فصول و ذکر چند نکته به معرفی آن می‌پردازیم:

۱. چون برای استنباط صحیح احکام علاوه بر سایر شروط و لوازم افتا، باید از سیر تاریخی مسائل نیز آگاه بود تا معلوم گردد: مسئله مورد نظر چه دوره‌هایی را طی کرده و در چه زمانی بالندگی داشته، بدان جهت در فصل اول، مباحث تاریخی تعزیر، مورد تحقیق قرار گرفته است. هم‌چنین به دلیل این‌که در هر مبحث علمی، شناخت و کاربرد آن می‌تواند در بهره‌گیری از آن مؤثر قرار گیرد و رغبت در مطالعه برانگیزد، در اولین فصل اهداف اجرای تعزیر نیز ذکر می‌شود.

۲. در فصل دوم و سوم، مفاهیم کلی تعزیر و تأدیب، در لغت، قرآن و سنت و دیدگاه فقها و نیز مقایسه برخی از مسائل تعزیرات با مبانی حقوق جزا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳. در فصل چهارم، بحث تعمیم در تعزیر و این‌که منحصر به نوعی خاص از مجازات نیست، پی‌گیری می‌شود: اقوال فقهای شیعه و اهل سنت در این زمینه جمع‌آوری شده و بر اثبات مدعی، دلایل بسنده و پذیرفتنی بیان می‌شود. در همین فصل، بسیاری از روایات که بر تعمیم و تنوع مجازات‌های تعزیری دلالت دارند، از کتب مختلف روایی، شناسایی و دسته‌بندی می‌شود و می‌تواند منبع مناسبی برای پژوهش‌گران و فقها به شمار آید.

۴. فصل پنجم، به بحث پیرامون موارد تعزیر اختصاص یافته و اثبات گردیده که اجرای آن منحصر به گناهان کبیره نیست.

۵. فصل ششم، به اختیارات حاکم در تعزیرات اختصاص یافته و به شبهه تنافی نظام تعزیرات با اصل قانونی بودن جرم و مجازات، پاسخ داده می‌شود.

۶. در فصل هفتم، ادله اثبات موارد جواز تعزیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
۷. فصل هشتم و نهم، به بحث پیرامون شرایط و ضوابط اجرا و مجرای تعزیر، و حکم تلف در اجرای آن اختصاص یافته است.
۸. در فصل دهم، موارد سقوط و اسقاط تعزیر مورد ارزیابی و تحقیق قرار می‌گیرد.
۹. و سرانجام، در فصل یازدهم و دوازدهم، مباحث مربوط به تأدیب اطفال و مجانین مورد تتبع و تحقیق واقع شده و آن‌گاه بر آن نظریه که: تأدیب اطفال نیز نوعی تعزیر خفیف از تعزیر بالغین به شمار می‌رود، با استناد به روایات دلیل آورده می‌شود.
۱۰. محور اصلی مباحث مطرح شده در این کتاب، فقه شیعه و انظار فقهای شیعی است. با وجود این، برای راه‌یابی به نظر متقن‌تر و بهتر و اطلاع اجمالی از انظار دیگر مذاهب اسلامی، سعی شده که انظار فقهای شیعه با انظار فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت و نیز مبانی حقوق جزا، مقایسه و تطبیق گردد. این ویژگی، تحقیق را از دیگر تحقیقاتی که در این زمینه صورت پذیرفته، متمایز بلکه منحصر به فرد می‌سازد و در بهره‌گیری از منابع و نقل مطلب و یا مضمون مطالب، ضمن استفاده از منابع دست‌اول و اعتمادپذیر، در امانت‌داری بسیار کوشیده شده و افزون بر پاورقی در انتهای شناسنامه، منابع در فهرست منابع نیز درج گردیده است.
۱۱. هرچند کاوش و بررسی مباحث فقهی، اهمیت بسزایی دارد، اهمیت نگاشتن و پیراستن آن نیز کمتر از تتبع و تحقیق نیست. بدان دلیل کوشش شده تا با ترتیب فصول و سامان دادن به محتویات کتاب، مباحث به سبکی ساده، نو و مستدل ارائه گردد.